

آیا وضعیت انقلابی در ایران به انقلاب فرا می‌رود؟

می‌گریزد شب،  
صبح می‌آید. " نیما"

مردم رزمجوی ایران دیگر بار با همه‌ی توان و نیرو و جوش و خروش، در اعتراض به قتل مهسا امینی پا به میدان مبارزه با رژیم توتالیتر اسلامی نهاده‌اند، و بیش از سه هفته است که در بسیاری از شهرها در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها نفرت و بی‌زاری‌شان را از جمهوری اسلامی و سیاست‌های ایران برپاده‌ده و سرکوبگرانه‌اش اعلام می‌کنند و خواهان برچیدن بساط این حکومت ارتجاعی‌اند. تاکنون در حدود 120 شهر ایران شاهد گردهمایی‌ها و اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصابات بوده‌ایم. زنان و جوانان مبارز ایرانی در خط نخست جبهه‌های نبرد ایستاده‌اند و برغم خطر مرگ و شکنجه و زندان با دلیری ستایش‌انگیز برای تحقق شعار «زن، زندگی، آزادی» در برابر نیروهای انتظامی و بسیجی و سپاهی، مبارزه را تداوم می‌بخشند. این قیام سراسری ادامه‌ی جنبش آبان 96 و قیام بزرگ دی ماه 98 در 160 شهر ایران و تداوم انفجاری چند هزار اعتصاب و اعتراض صنفی کارگران و آموزگاران و دهقانان و بازنشستگان و کامیونداران در دو سال و اندی گذشته و واکنش به برخوردهای بلاهت‌بار و جنایت‌کارانه رژیم در کنترل بیماری کرونا و سرکوب‌های چند دهه‌ای زنان ایرانی و لگدمالی ابتدایی‌ترین حقوق آنان است.

مراسم خاکسپاری مهسای جوان در شهر سقز که با حضور بسیاری از هم‌میهنان دلیر کرد برگزارگشت و در آن علیه جمهوری اسلامی شعار داده شد سرآغاز قیام سراسری و بزرگی شد که حکومت اسلامی را با بزرگترین و مهمترین چالش دوران حیاتش روبرو ساخته است. جمهوری اسلامی به سبب واپسگرایی هزاره‌ای، ناکارآمدی، سرکوبگری، رانت‌خواری، جنایت‌پیشگی و اسلامگرایی و امت‌پروری ضد ملی، میهن‌ما ایران را با ابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حقوقی و زیست‌محیطی و بین‌المللی دست‌بگریبان کرده است. ملت ایران در اکثریت مطلق‌اش با جمهوری اسلامی مخالف است و این نظام را نمی‌خواهد و خواهان تغییر آن است و حکومت اسلامی هم نمی‌تواند کشور را اداره کند و حتی گامی کوچک در راستای حل بحران‌ها تا چه رسد به رفع آن‌ها بردارد. اداره و مدیریت یک کشور به معنای توان سرکوب و اعمال خشونت جنایت‌بار علیه مردم و نیروهای مخالف نیست، بلکه سروسامان بخشی و مدیریت عرصه‌های گوناگون خرد و کلان جامعه و زندگی مردم به شکل مناسب و در خور امکانات ملی است. نارضایی و سرخوردگی و خشم و نفرت انباشته شده‌ی دهه‌های گذشته نزد بسیاری از ایرانیان، در هدف‌گیری سرنگونی طلبانه دانشجویان و دختران و پسران و زنان و مردان ایرانی از قشرها و طبقه‌های گوناگون که در شعارهایی چون "زن، زندگی، آزادی"، مرگ بر خامنه‌ای، خامنه‌ای قاتله - حکومتش باطله، مرگ بر دیکتاتور، وای به روزی که مسلح شویم، نه روسری، نه توسی - آزادی و برابری، این دیگه اعتراض نیست، شروع انقلاب، بازتاب و بسامدی نیرومند یافته است. افزون بر این، روسری سوزانی بسیار گسترده دختران و زنان دلیر ایرانی که نماد عینی مخالفت فرهنگی، حقوقی و سیاسی با حکومت توتالیتر دینی واپسگرایی است که در شکل و مضمون خود سده‌ها از جهان مدرن کنونی، از مدرنیته و مدرنیزاسیون و مدرنیسم و درک مبانی حقوق بشر عقب است، و همچنین آغاز اعتصاب‌های کارگری نشانگر وجود وضعیت انقلابی در ایران است. نگاهی بسیار کوتاه و گذرا به آنچه که در سه هفته‌ی پیشین گذشت، بر وجود وضعیت انقلابی در ایران مهر تأیید می‌نهد.

قتل مهسا امینی از سوی اوباشان گشت ارشاد سبب ساز اعتراض‌های گسترده‌ای در شهرهای کردستان و بسیاری از دیگر شهرهای ایران شد و مخالفت با حجاب اجباری و خواست لغو آن از سوی زنان و مردان ایرانی اعتراض‌گر در صدر شعارها و خواسته‌ها قرار گرفت و به جنبش دادخواهانه‌ی مردم جلوه‌ای فمینیستی بخشید. پیوستن دانشجویان در بیش از 100 دانشگاه و دانش‌آموزان دختر و پسر در بسیاری از مدرسه‌ها و تظاهرات قشرهای گوناگون اجتماعی در سراسر ایران بصورت بسیار گسترده، قیامی بزرگ علیه حجاب اجباری و حکومت اسلامی را رقم زد. برداشتن روسری و به آتش سپردن آن و کوتاه کردن موز سوی زنان به نشانه اعتراض در خیابان‌های بسیاری از شهرها در بزرگترین جنبش زنان تاریخ ایران نماد نبرد ایرانیان با اسلام سیاسی و هژمونی فرهنگی این نظام توتالیتر شد. تلاش و مبارزه برای آزادی زنان و برابری با مردان و تامین حقوق اساسی آنان که در صد و اندی سال گذشته در روند مدرن‌گرایی و مدرنیزاسیون ایران همواره مطرح بود در کنار دیگر شعارها، خواست عمومی در سپهر سیاسی کشور شده است. این روزها اقدام ویدا موحد که در تظاهرات سال 96 در خیابان انقلاب در اعتراض به حجاب اجباری روسری از سر برگرفت و آنرا برچوبی آویخت در شکلی نمادین تر با سوزاندن روسری از سوی ده

ها هزار زن ایرانی در سراسر کشور تکرار شد تا خشم و نفرت میلیونها زن و مرد مدرن ایرانی از واپسگرایی و استبداد مذهبی را به نمایش گذارد. روح الله خمینی در 16 اسفند 57 گفت "وزارتخانه های اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه های اسلامی نباید زنها لخت بیایند، اما با حجاب باشند مانعی ندارد" و این فتوا سر آغاز یورش حکومت اسلامی به زنان ایرانی برای تحمیل حجاب اجباری و لگد مالی همه ی حقوقی شد که از دوران مشروطیت به بعد بدست آمده بود. فتوایی که با شعارهای اوباشانه "یا روسری یا توستری" و "یا حجاب یا تیزاب" و فشارهای سازمان یافته و افسار گسیخته حکومتی تا امروز همچنان ادامه یافته است.

اعتراض ها و تظاهرات سراسری مردم ایران با شرکت قشرهای گوناگون اجتماعی در هفته های گذشته و شعارهای سیاسی سرنگونی طلبانه آنان نشان داد که افزون بر مساله ی بسیار مهم حقوق زنان در ایران ، مردم ایران از چهار دهه حکومت توتالیتر ولایت فقیه در گستره های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی و فرهنگی و آموزشی و سیاسی و روابط بین المللی که کشور را با چالش ها و دشواری های بزرگ روبرو ساخته است بشدت ناراضی اند. نارضایی شدید مردم از وضعیت بحرانی اقتصادی کشور که فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری را به ده ها میلیون ایرانی تحمیل کرده است از یک سو و چپاول و غارت بخش بزرگ سرمایه ملی از سوی کارگزاران حکومت در نهادهای امنیتی و نظامی و اداری و شبکه روحانیت و نهادهای وابسته به آن از دیگر سو، کاسه ی صبر مردم را لبریز کرده است . سرکوب های شدید سازمان یافته ی خشونت بار و ضد انسانی حکومت اسلامی علیه همه ی دگراندیشان و همه ی اقلیت های دینی و مذهبی و قومی و سازمان های صنفی و سیاسی و فرهنگی ، آتش فشانی از خشم و انزجار و نفرت و مخالفت در میان مردم انبار کرده است که فوران آنرا از جمله در تظاهرات و شعارها و رویارویی های توده های میلیونی در خیابان ها با ماموران نظامی و نیروهای بسیجی و سپاهی می بینیم. با توجه به رویدادهای اعتراضی سال 96 و 98 و برآمدهای صنفی و اعتراضی کارگران و آموزگاران و بازنشستگان و دهقانان و دیگر نیروهای اجتماعی در سه سال گذشته که در هزاران اعتصاب و اعتراض نمود یافت، زمینه های فراهم شدن شرایط انقلابی در ایران را بخوبی میتوان درک کرد. مردم ایران بویژه از سال 96 با یک جنبش اعتراضی گسترده نشان دادند که دوران آرام بودن و پذیرش فشارها و سرکوب ها و غارت ها و سیاست خارجی ضد ملی به اصطلاح محور مقاومتی - و نگاه به « شرقی» که هنوز از منظر ژئوپلیتیکی وجود خارجی ندارد- رژیم اسلامی را پشت سر می نهند و نمی خواهند همچون گذشته سرکوب و غارت شوند و در بند و زندان ولایت مطلقه و شریعت باشند و از آزادی و کرامت انسانی و برابری و زندگی شایسته انسانی بی بهره بمانند. قیام بزرگ چند روزه ی دی ماه 98 ادامه ی این روند تغییر و دگرگون خواهی بود، این روند ژرفش خودآگاهی ملی با قیام دلیرانه سراسری چند هفته ی گذشته و برآمد شعار زن، زندگی ، آزادی که بازتاب غرور آمیز جهانی یافت و می رود تا جایگزینی برای شعار بزرگ آزادی ، برابری ، برادری انقلاب کبیر فرانسه، در جهان گردد، ایران را در وضعیت انقلابی قرار داده است.

مردم ایران در شعارهای کوبنده ای چون " جمهوری اسلامی نمی خواهیم ، نمی خواهیم. توپ تانک فشفشه ، آخوند باید گم بشه. این دیگه اعتراض نیست ، شروع انقلابه. مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای. این آخرین پیامه ، هدف خود نظامه. و سندانج ، زاهدان - جانم فدای ایران. از کردستان تا سیستان، خونین تمام ایران ، نان کار آزادی حجاب اختیاری. این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت. هریک نفر کشته شه ، هزار نفر پشته شه. بسیجی سپاهی، داعش ما شمایی. فقر و فساد و بیداد، مرگ بر این استبداد. زندانی سیاسی آزاد باید گردد. می جنگیم می میریم ، ایران را پس می گیریم. می کشم می کشم هرآنکه خواهرم کشت. زاهدان، کردستان، چشم و چراغ ایران"، به روشنی خواست تغییر رژیم کنونی را فریاد کرده اند.

اکثریت شکننده ملت ایران با توجه به تجربه عملی زیستن فاجعه آمیز و ذلت بار در نظام اسلامی و آگاهی ناشی از آن و تحول و ژرفش فکری و تاثیرات فضای مجازی و جهان دیجیتال بویژه بر نسل جوان، برای تغییر نظام کنونی آمادگی یافته اند و خواهان طرد و برکناری حکومت اسلامی هستند، پای نهادن قطعی مردم ایران برای دگرگونی و به میدان آمدن عملی سراسری با استفاده از همه ی شکل های مبارزاتی برای گذار از جمهوری اسلامی و سرنگونی آن به معنای آغاز انقلاب در ایران خواهد بود. هیچ حکومتی بصورت خودبخودی سرنگون نمی شود و تغییر نمی کند. بدون کنش و مبارزه فردی و گروهی و هم افزایی عمومی و ملی و سراسری -از جمله اعتصابات - و کاربست همه ی ابزارهای ممکن برای نبرد با نظام توتالیتر مذهبی ای که به دختران و پسران نوجوانی که تنها شعار های اعتراضی سر می دهند با گلوله پاسخ می گوید و آنان را بخاک و خون می کشد، امر گذار دشوار خواهد بود. وضعیت انقلابی کنونی با آمادگی بیشتر ذهنی و عملی مردم ایران و پشتیبانی جهانی از قیام آنان ، به انقلابی برای آزادی - و پیش و بیش از هر چیز آزادی زنان ایرانی که با رزم مشترک شان افتخار همه آفاق شده اند- و دموکراسی و برابری فرا می روید. با توجه به اهمیت تاثیرات نیروهای بیرونی بر اوضاع داخلی باید گفت که جمهوری اسلامی اینک در بدترین شرایط بین المللی بسر می برد و پیشرفت وضعیت انقلابی در ایران حلقه محاصره به دور نظام اسلامی را در صحنه

ی جهانی تنگ تر خواهد کرد. پشتیبانی مبارزاتی بسیاری از هممیهنان ایرانی در خارج از کشور که در این چند هفته دوشادوش دختران و پسران و زنان و مردان درون کشور در بیش از 150 شهر جهان به میدان آمدند ، بی تردید در آینده با بسامدی بیشتر ادامه خواهد یافت. مردم قهرمان ایران از قشرها و طبقات گوناگون و بویژه دختران و زنان و دانشجویان و دانش آموزان در همین چند هفته کاری کارستان و تاریخی انجام داده اند که نشان می دهد سوژه – فاعل شناسا- ی مدرن ایرانی با پرچم "می اندیشم، می خواهم، عمل می کنم، پس هستم"، در میدان فراخ زندگی و سیاست استوار ایستاده است. سوژه ای که ریشه در انقلاب مشروطه و دگرگونی های ساختاری حقوقی، اندیشگی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی صد و اندی ساله ی گذشته ایران دارد. اگرچه گسیخت و گسل نابهنگام چهل ساله ی حکومت ولایت فقیه و ارتجاع اسلام گرایانه به آن آسیب بسیار رساند اما نتوانست بنیاد هایی را که در سوژه ملی ایرانی ریشه دوانده بود از میان بردارد. امروز این قفتوس با فرخندگی و با یاری فضای مجازی و دنیای دیجیتالی از خاکستر زندگی و زمانه با شعار « زن ، زندگی ، آزادی »، سر بر آورده است. شعاری که بیانگر خواست های مدرن ، روشنگرانه و سکولار و لائیکی است که هیچ جایی برای دین در حکومت باقی نمی گذارد و خواست جدایی قطعی دین و شرع از حکومت و سیاست را بازتاب می دهد. قیام آزادیخواهانه کنونی مردم می تواند با فراز و فرودهایی همراه و مانند همه ی دگرگونی های انقلابی مسالمت آمیز و یا غیر مسالمت آمیز به زمان بیشتری نیازمند باشد، اما بنظر می رسد که این راه آغاز شده سرانجامی نیک و پیروزبخش خواهد داشت.

با رزم مشترک سراسری و ملی برای کسب آزادی – و پیش از همه، آزادی زنان و آزادی بیان – ، و برای دموکراسی پارلمانی لائیک ، و برابری و عدالت اجتماعی - برای زندگی بهتر- ، و حقوق و کرامت انسانی ، به پیش.

عیسی پهلوان

برلین. 16.10.22